

فلسفه مشاء (۱)  
(از ارسطو تا توماس آکوئینی)

دکتر حمیدرضا خادمی

تهران

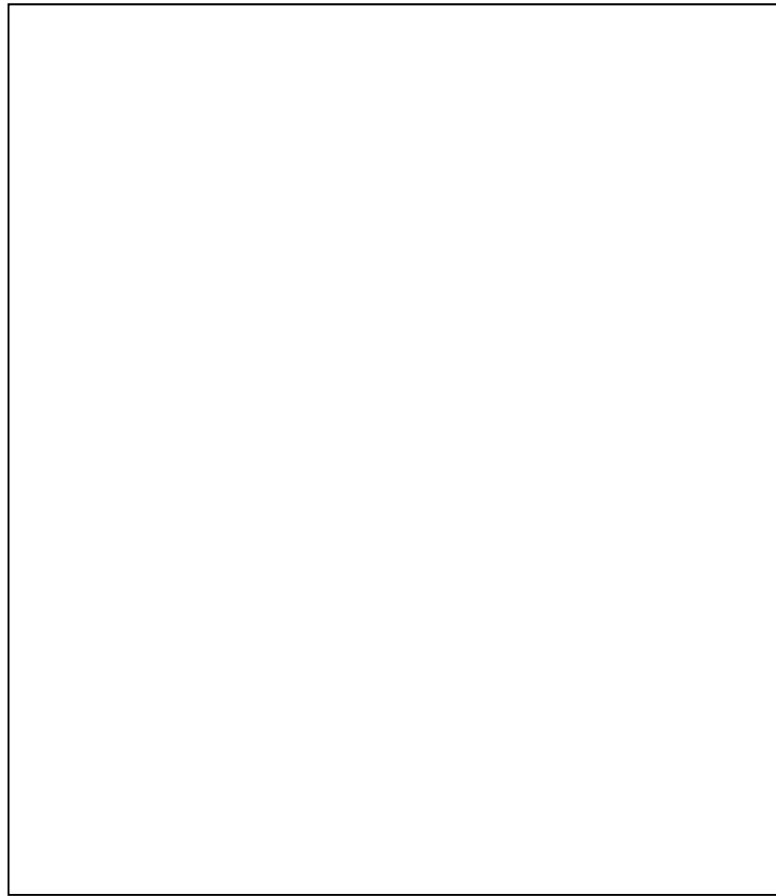
۱۳۹۸



سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)  
پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



زندگی زیر چتر علم و آگاهی آنقدر شیرین و انس با کتاب و قلم و اندوخته‌ها  
آنقدر خاطره‌آفرین و پایدار است که همه تلخی‌ها و ناکامی‌های دیگر را از یاد  
می‌برد.

صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۱۳۸

## سخن «سمت»

یکی از هدف‌های مهم انقلاب فرهنگی، ایجاد دگرگونی اساسی در دروس علوم انسانی دانشگاه‌ها بوده است و این امر مستلزم بازنگری منابع درسی موجود و تدوین منابع مبنایی و علمی معتبر و مستند با در نظر گرفتن دیدگاه اسلامی در مبنایی مسائل این علوم است.

ستاد انقلاب فرهنگی در این زمینه گام‌هایی برداشته بود، اما اهمیت موضوع اقتضا می‌کرد که سازمانی مخصوص این کار تأسیس شود و شورای عالی انقلاب فرهنگی در تاریخ ۶۳/۱۲/۷ تأسیس «سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها» را، که به اختصار «سمت» نامیده می‌شود، تصویب کرد.

بنابراین، هدف سازمان این است که با استمداد از عنایت خداوند و همت و همکاری دانشمندان و استادان متعهد و دلسوز، به مطالعات و تحقیقات لازم پردازد و در رشته‌های مختلف علوم انسانی به تألیف و ترجمه منابع درسی اصلی، فرعی و جنبی اقدام کند.

دشواری چنین کاری بر دانشمندان و صاحب‌نظران پوشیده نیست و به همین جهت مرحله کمال مطلوب آن باید به تدریج و پس از انتقادات و یادآوری‌های پیاپی ارباب نظر به دست آید. انتظار دارد که این بزرگواران از این همیاری و راهنمایی دریغ نورزند و با پیشنهادهای اصلاحی خود، این سازمان را در اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی جمهوری اسلامی ایران یاری دهند.

کتاب حاضر برای دانشجویان رشته فلسفه به عنوان منبع اصلی درس «فلسفه مشاء (۱)» در دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد به ارزش ۲ واحد تدوین شده است. امید است علاوه بر جامعه دانشگاهی، سایر علاقه‌مندان به مباحث فلسفی نیز از آن بهره‌مند شوند.

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه
	بخش اول: در آمدی بر فلسفه مشاء
۱۰	فصل اول: فلسفه چیست؟
۱۳	فلسفه اولی یا مابعدالطبیعه
۱۷	فصل دوم: فلسفه مشاء و روش شناسی آن
۲۱	منطق به مثابه روش
۲۷	فصل سوم: عقل در فلسفه مشاء
۳۲	عقل فعال
۴۱	فصل چهارم: مشائیان نخستین
۴۳	ارسطو (۳۸۴-۳۲۲ ق.م)
۴۷	ثئوفراستوس (۳۷۲-۲۸۷ ق.م)
۵۰	اسکندر افرودیسی (نیمه دوم قرن دوم و آغاز قرن سوم م)
۵۴	فصل پنجم: مشائیان قرون وسطایی غیرمسلمان
۵۷	مشائیان قرون وسطایی مسیحی
۵۷	آلبرت کبیر (۱۲۰۶-۱۲۸۰ م)
۵۹	توماس آکوئینی (۱۲۲۵-۱۲۷۴ م)
۶۲	دانز اسکوتوس (۱۲۶۶-۱۳۰۸ م)
۶۵	مشائیان یهودی قرون وسطا

صفحه	عنوان
۶۹	فصل ششم: فیلسوفان مشائی مسلمان
۷۱	کندی (۱۸۵ - حدود ۲۶۰ ق)
۷۵	فارابی (۲۵۹-۳۳۹ هـ)
۸۰	ابن سینا (۳۷۰-۴۲۸ ق)
۸۵	ابن رشد (۵۲۰-۵۹۵ ق)
۹۱	خواجه نصیرالدین طوسی (۵۹۷-۶۷۲ ق)
بخش دوم: هستی‌شناسی در فلسفهٔ مشاء	
۹۷	فصل اول: معنای وجود
۱۱۶	فصل دوم: معنای ماهیت
۱۲۱	اعتبارات ماهیت
۱۲۵	فصل سوم: زیادت وجود بر ماهیت
۱۳۸	فصل چهارم: تقدّم وجود بر ماهیت
۱۴۶	فصل پنجم: انواع موجود
۱۴۹	جوهر و عرض
۱۶۰	اقسام جوهر
۱۷۱	اقسام عرض
۱۷۹	فصل ششم: علل و مبادی موجود
۱۸۰	علل چهارگانه
۱۸۸	رابطهٔ علل چهارگانه
۱۹۵	تناهی علل چهارگانه
۲۰۱	ملاکک نیازمندی معلول به علت
۲۰۸	علّیت و شناخت
۲۱۴	منابع
۲۲۱	نمایه اصطلاحات
۲۲۸	نمایه اعلام

تقدیم به:

حکیم متألّه؛

استاد یگانه؛

دکتر احمد احمدی؛

که نگارش این کتاب در روزگار حیات ایشان آغاز شد

ولی دریغ و درد که در ایام فراق به انجام رسید.





## مقدمه

همان گونه که عنوان کتاب نشان می‌دهد این پژوهش به بررسی اندیشه‌های فیلسوفان مشاء در دو بخش اصلی می‌پردازد: (۱) درآمدی بر فلسفه مشاء، (۲) هستی‌شناسی در فلسفه مشاء. کتاب پیش رو تبیین خواهد کرد که ارسطو، مؤسس فلسفه مشاء و ملقب به معلم اول، نظام فلسفی متمایزی ارائه کرده است که سایر فیلسوفان مشائی در گسترش آن کوشیده و در امتداد آن به فلسفه‌ورزی پرداخته‌اند.

کتاب حاضر به پیشنهاد استاد ارجمند مرحوم دکتر احمد احمدی (طاب ثراه) و با نظارت علمی ایشان برای درس فلسفه مشاء (۱) در دوره کارشناسی نگاشته شده است که البته برای دروس فلسفه مشاء و تاریخ فلسفه اسلامی در مقطع کارشناسی ارشد نیز قابل استفاده است. از این رو ساختار کتاب و ترتیب مباحث آن بنا بر نظر آن استاد فرزانه تنظیم و محتوای اثر تحت اشراف و راهنمایی ایشان به قلم این کمترین به رشته تحریر درآمده است.

## اهمیت و ضرورت پژوهش حاضر

اگرچه در معرفی فلسفه مشاء تحقیقات بسیاری انجام و آثار متعددی منتشر شده است، اما شیوه ارائه مطالب در کتاب حاضر متمایز از همه آنهاست. در این کتاب معرفی فلسفه مشاء و بحث از مسائل آن به گونه‌ای تنظیم شده است که از فیلسوف مؤسس، ارسطو، آغاز می‌شود و سپس سیر مباحث از دیدگاه سایر فیلسوفان مشائی مورد بررسی و تحقیق قرار می‌گیرد. از این رو امتیاز اصلی کتاب پیش رو، روش و شیوه پردازش محتوای آن است. برقراری ارتباط میان دیدگاه‌های فیلسوفان مشائی، ارائه تصویری نسبتاً جامع از موضوع مورد بحث در

فلسفه مشاء، نشان دادن سیر تطوّر اندیشه‌ها و در پاره‌ای موارد نقد و بررسی آراء فیلسوفان از جمله امتیازات پژوهش حاضر و ضرورت تألیف آن به شمار می‌آید. از آنجا که این کتاب برای دانشجویان فلسفه تألیف شده است، در نگارش آن سعی شده است از پرداختن به مناقشات در هر مسئله خودداری شود، هرچند پاره‌ای از مسائل و دیدگاه‌ها ارزیابی و نقد شده است. در اینجا شایان ذکر است تمامی کاستی‌های اثر حاضر متوجه نگارنده و نقاط قوت آن وام‌دار رهنمودهای استاد فقید، روان‌شاد دکتر احمد احمدی است.

### درباره کتاب و محتوای آن

کتاب پیش رو در دو بخش و هر بخش در شش فصل تنظیم شده است. در فصل اول از بخش نخست ضمن تعریف فلسفه و چیستی آن، مباحثی چون اصطلاح‌شناسی فلسفه، فلسفه‌ورزی، زندگی فیلسوفانه، دانش‌های فلسفی، فلسفه اولی یا مابعدالطبیعه و موضوع فلسفه بررسی شده‌اند.

فصل دوم به فلسفه مشاء و روش‌شناسی آن می‌پردازد. در این فصل وجه تسمیه مشاء و روش فلسفی مشائی توضیح داده شده است. همچنین از منطبق به مثابه روش، بحث از صدق و کذب و ارتباط آن‌ها با واقعیت، انواع استدلال و تعریف در این فصل بحث شده است.

فصل سوم به بحث مهمّ و اساسی عقل در فلسفه مشاء، اختصاص دارد. در این فصل ابتدا به تعریف ارسطو از عقل اشاره و سپس با مبنا قرار دادن این تعریف، به دیدگاه سایر فیلسوفان مشائی در خصوص معانی و مراتب عقل پرداخته شده است. دیدگاه ارسطو درباره عقل در طول تاریخ فلسفه پرسش‌ها و ابهاماتی را برای مفسران اندیشه‌های او به وجود آورده است. این‌گونه ابهامات در بحث از عقل فعال به اوج می‌رسد تا آنجا که تفاسیر کاملاً متفاوتی از دیدگاه ارسطو را رقم می‌زند. تفاوت دیدگاه ثئوفراستوس و اسکندر افرودیسی در تفسیر عقل از منظر ارسطو همواره در تاریخ فلسفه مشاء مورد توجه بوده است و فیلسوفان بعدی هریک به نحوی به یکی از این دو دیدگاه پیوسته‌اند.

در فصل چهارم مشائیان نخستین یعنی ارسطو (بنیان‌گذار فلسفه مشاء)، ثئوفراستوس (شاگرد مستقیم ارسطو) و اسکندر افرودیسی (بزرگ‌ترین شارح یونانی ارسطو) معرفی می‌شوند. در این فصل ابتدا اشاره‌ای گذرا به رؤسای مدرسه ارسطو پس از وی می‌شود و در ادامه ارسطو و آثار وی - به ویژه کتاب *متافیزیک* - معرفی می‌گردند. همچنین در این فصل گزارشی از ثئوفراستوس و آثارش و اسکندر افرودیسی و نقش وی در گسترش فلسفه مشاء ارائه شده است.

فصل پنجم به معرفی مشائیان قرون وسطایی غیرمسلمان می‌پردازد. این فصل با مقدمه‌ای درباره دوره نوافلاطونی و تأثیر آن بر فلسفه مسیحی و غیرمسیحی در قرون اولیه آغاز می‌شود. در دوره واپسین (از حدود ۱۰۰۰ میلادی تا رنسانس) فیلسوفان مسیحی تا اندازه زیادی تحت تأثیر آراء ارسطو قرار داشتند که نقطه اوج این دوره در قرن سیزدهم میلادی و با ظهور فیلسوفانی چون توماس آکوئینی است. از میان مهم‌ترین فیلسوفان و جریان‌های فلسفی مسیحی قرون وسطا، گزارش‌گزیده‌ای از شخصیت، آراء و آثار سه تن از شاخص‌ترین فیلسوفان مشائی این دوره (آلبرت کبیر، توماس آکوئینی و دانز اسکوتوس) در این فصل ارائه می‌شود. در ادامه گزارش مختصری از مشائیان قرون وسطایی یهودی به همراه معرفی مهم‌ترین آثار آن‌ها به این فصل اضافه شده است.

آخرین فصل از بخش نخست به معرفی مهم‌ترین فیلسوفان مشائی مسلمان می‌پردازد. در فصل ششم ابتدا مسئله انتقال فلسفه یونانی به جهان اسلام بررسی می‌شود. در ادامه این فصل پس از ارائه گزارشی درباره شرح حال و آثار ابویعقوب اسحاق کندی به عنوان نخستین فیلسوف مشائی مسلمان، مهم‌ترین فیلسوفان مشائی جهان اسلام: فارابی، ابن سینا، ابن رشد و خواجه نصیرالدین طوسی معرفی می‌شوند. همان‌طور که در مقدمه این فصل اشاره شده است از پرداختن به همه فیلسوفان مسلمان مشائی به دلیل پرهیز از تفصیل غیرضرور و با توجه به این که غیر از فیلسوفانی که معرفی شده‌اند، دیگر متفکران به عنوان فیلسوف مشائی طراز اول شناخته شده نیستند، صرف نظر شده است.

بخش دوم کتاب حاضر در شش فصل به هستی‌شناسی در فلسفه مشاء

می‌پردازد. از آنجا که نخستین اصل مابعدالطبیعه بحث از وجود و مفهوم آن است، فصل اول پرسش از معنای وجود و تحقیق درباره آن را عهده‌دار است. این که واقعیت از چه خمیرمایه‌ای ساخته شده است، نخستین پرسش فلسفی است. ارسطو به عنوان مؤسس فلسفه مشاء نسبت به فیلسوفان پیش از خود طرحی نو در هستی‌شناسی در انداخت. از نظر وی فلسفه در حقیقت دانش «وجود» است. ارسطو بر آن است که مفهوم وجود بر چیزی به نحو اشتراک لفظی یا معنوی حمل نمی‌شود بلکه نسبت به چیزی است که این حمل صورت می‌پذیرد. این دیدگاه در امتداد فلسفه مشاء توسط توماس آکوئینی به «تشابه بنا به تناسب» تعبیر شد.

دیگر فیلسوفان مشائی نیز از معنای وجود سخن می‌گویند. فارابی برای وجود معانی سه گانه ذکر می‌کند. این رشد در امتداد نظر فارابی و همانند وی در تفسیر *مابعدالطبیعه* سه معنا برای وجود می‌آورد اما وی در کتاب *تهافت التهافت* به دو معنا بسنده می‌کند. در این فصل به این پرسش هم پرداخته شده است که آیا وجود، محمول واقعی است؟ فارابی در پاسخ به این پرسش پیشتاز است. در واقع فارابی در بررسی این موضوع بر کانت مقدم است. در ادامه این فصل دیدگاه ابن سینا در خصوص مفهوم وجود بررسی می‌شود. وی مفهوم وجود را مفهومی بنیادین و نخستین می‌داند که به تعبیر خودش به «ارتسام اولیه» در نفس موجود است. ابن سینا در مقاله نخست *برهان شفاء* به تفاوت «وجود محمولی» و «وجود رابط» اشاره می‌کند.

توماس آکوئینی از دیگر فیلسوفان مشائی نیز به بحث پیرامون وجود و احکام آن به طور گسترده پرداخته است. توماس برای وجود اصطلاح لاتینی «esse» را به کار می‌برد. وی حمل مفهوم وجود بر مصادیق آن را به شیوه تشابه و تناسب می‌داند. نظریه تشابه مفهوم وجود آن گونه که توماس توضیح می‌دهد بیشتر متمایل به اشتراک لفظی دانستن مفهوم وجود است. دانز اسکوتوس دیگر فیلسوف مشائی مسیحی ضمن انتقاد از نظر توماس آکوئینی، نظریه تشابه را نپذیرفت و همانند ابن سینا مفهوم وجود را مشترک معنوی می‌داند. از نظر اسکوتوس افرادی که در زبان منکر اشتراک معنوی‌اند در واقع آن را مفروض می‌گیرند.

دومین فصل از بخش دوم به بحث از معنای ماهیت می‌پردازد. تمایز میان

«وجود» و «ماهیت» از اساسی‌ترین مسائل هستی‌شناسی است که تاریخ فلسفه قرون وسطای مسیحی، اسلامی و یهودی را تحت تأثیر قرار داده است. در این فصل از معنای ماهیت سخن خواهد رفت و سپس در فصل بعد بحث از تمایز مطرح خواهد شد. از نظر ارسطو ماهیت هر شیء همان ذات و جوهر شیء است. به تعبیر فارابی آنچه در پاسخ به سؤال «ماهو» می‌آید - با علم به وجود موضوع شیء - بیانگر ماهیت شیء است. در ادامه این فصل از اعتبارات ماهیت بحث شده است. آن گونه که استاد مطهری بیان می‌کند بحث از اعتبارات ماهیت برای اولین بار توسط فیلسوفان مشائی مسلمان مطرح شده است. از نظر ابن سینا اعتبارات سه‌گانه ماهیت عبارت‌اند از: ماهیت لابشرط، ماهیت بشرط شیء و ماهیت بشرط لا. برای ماهیت در هر یک از اعتبارات سه‌گانه، لوازم خاصی است.

زیادت وجود بر ماهیت یا تمایز وجود از ماهیت عنوان فصل سوم است. ارسطو در منطق به وضوح به تمایز وجود از ماهیت اشاره می‌کند. وی با بیان این که «وجود» ذات هیچ چیز را تشکیل نمی‌دهد، نزاع پردامنه‌ای در تاریخ فلسفه مشاء رقم زد. این مطلب که وجود نسبت به سایر اشیاء غیرذاتی (عرضی) است، توسط فیلسوفانی نظیر فارابی و ابن سینا به معنای صحیحی تبیین شد.

در جهان اسلام فارابی نخستین فیلسوفی است که به صورت نظام‌مند بحث از زیادت وجود بر ماهیت را مطرح می‌کند. قبل از وی، کندی زمینه این بحث مهم را فراهم می‌سازد. ابن سینا تقسیم دوبرخشی ماهیت و وجود را از فارابی به ارث برده است. از نظر وی افاضه وجود بر ماهیت ممکن، وابسته به علتی خارج از آن است که بدان وجود می‌بخشد. دیدگاه ابن سینا در فلسفه مشاء توسط فیلسوفانی نظیر ابن رشد و توماس آکوئینی به شدت مورد نقد و بررسی قرار گرفته است. ریشه اصلی انتقادات به فهم هر فیلسوف از معنای عروض برمی‌گردد. اندیشه عروض وجود بر ماهیت به واسطه رواج آثار و آراء ابن سینا در قرون وسطای مسیحی نیز استمرار دارد. آلبرت کبیر و توماس آکوئینی با اثرپذیری از آراء ابن سینا به تفسیر عروض پرداخته‌اند. از نظر آکوئینی عروض وجود بر ماهیت به چگونگی موجود شدن شیء ممکن اشاره دارد. ژیلسون ضمن توضیح دیدگاه توماس، آن را نظریه اجتهادی تلقی

می‌کند، در حالی که توماس مطلب تازه‌تری نسبت به ابن سینا ارائه نکرده است. فصل چهارم از بخش دوم با عنوان تقدّم وجود بر ماهیت آغاز می‌شود. پیرو بحث از زیادت وجود بر ماهیت، بحث از تقدّم وجود بر ماهیت به عنوان متمّم و مکمل مطرح می‌شود. اساساً بحث از اصالت وجود یا اصالت ماهیت به صورتی که در فلسفه‌های متأخر اسلامی رایج شد، در فلسفه مشاء مورد بحث نبود. از این رو بحث از تقدّم وجود بر ماهیت به منزله مقدمه‌ای مهم بر بحث از اصالت تلقی می‌شود که تا حدودی حاوی مباحث آن نیز است. ارسطو بر آن است که ماهیت با وجود خود یکی است. از نظر وی «شیء»، «هستی» و «واحد»، هر چند از طریق مفاهیم متفاوت‌اند، اما از یک واقعیت حکایت می‌کنند. از نظر توماس آکوئینی مُراد از تقدّم وجود این است که امکان هستی‌های متناهی، رفع شده است. در میان فیلسوفان مشائی قرون وسطا دانز اسکوتوس به تقدّم ماهیت بر وجود باور دارد. آن‌گونه که ابن سینا توضیح می‌دهد پذیرش تقدّم بالوجود ماهیت بر وجود یا منجر به تسلسل می‌شود یا به دور می‌انجامد و در هر صورت محال است.

فصل پنجم به بحث از انواع موجود می‌پردازد. ارسطو در تقسیم‌بندی اولیه، موجود را به بالذات و بالعرض تقسیم می‌کند. موجود بالذات بر دو قسم است: جوهر و عرض. در فلسفه مشاء آن‌گونه که ارسطو و ابن سینا تصریح دارند مقولات اعم از جوهر و أعراض همگی تعینات وجود در عالم واقع‌اند. در ادامه این فصل به بحث از جوهر و عرض و اقسام هریک پرداخته می‌شود. آنچه در اصطلاح فلسفی از راه ترجمه عربی آثار ارسطو، جوهر نامیده شده است، برابر واژه یونانی «اوسیا» است که به معنای باشندگی و بودن است. ارسطو به دو نوع جوهر قائل است: جوهر اول یعنی جوهر فردی، عینی و جزئی و جوهر ثانی یعنی انواع و اجناسی که جوهر نخستین را دربر دارند. جوهر به معنای دقیق و محدود کلمه همان فرد است که از حدّ اعلای واقعیت برخوردار است. ارسطو غیر از جوهر طبقه دیگری از موجودات را اعراض می‌نامد که همواره به چیز دیگری تعلق دارند. اعراض همواره فی‌الموضوع‌اند یعنی همیشه به هستی واقعی یا جوهر تعلق دارند.

ابن رشد دیگر فیلسوف مشائی همانند ارسطو و ابن سینا بر آن است که مقسم

مقولات اعمّ از جوهر و عرض، وجود است. وی همچنین در کتاب تلخیص مابعدالطبیعه همانند فارابی سه معنا برای جوهر ذکر می‌کند. از نظر ابن رشد جوهر، موجود حقیقی و علت سایر اعراض است. توماس آکوئینی نیز همانند ابن رشد وجود را اولاً در مورد جوهر و ثانیاً در مورد اعراض به کار می‌برد. توماس با نگاه انتقادی به تعریف جوهر و عرض به بازسازی تعریف هریک می‌پردازد. در ادامه این فصل به بحث از اقسام جوهر و اقسام عرض پرداخته شده است.

فصل آخر از بخش دوم به بحث از علل و مبادی موجود اختصاص دارد. پرسش بنیادین نزد فیلسوفان پیش از ارسطو این بود که اشیاء چگونه پدید می‌آیند و انگیزه دگرگونی در موجودات چیست؟ ارسطو می‌کوشد پاسخ منطقی و عقلانی برای این پرسش فراهم آورد. وی فلسفه را دانش علل پدیده‌ها معرفی می‌کند و فیلسوف را شخصی می‌داند که علت‌های پدیده‌ها را شناسایی می‌کند.

فارابی همانند ارسطو به علل چهارگانه قائل است: علت مادی، علت صوری، علت فاعلی و علت غایی. ابن سینا دیگر فیلسوف مشائی مسلمان ضمن بحث از موضوع فلسفه و مسائل فلسفی، علّیت را از عوارض خاص موجود بماهو موجود می‌داند و از این رو بر آن است که بحث از علت‌ها از مسائل فلسفی است. وی علل چهارگانه ارسطویی را در دو دسته کلی طبقه‌بندی می‌کند: ۱) علل وجود (که عبارت‌اند از علل فاعلی و غایی)، ۲) علل ماهیت (که عبارت‌اند از علل صوری و مادی). توماس آکوئینی برخلاف ابن سینا بحث مستقلی پیرامون علّیت در آثارش به چشم نمی‌خورد. وی مباحث خود پیرامون علل اربعه را در ضمن براهین اثبات وجود خدا مطرح کرده است. در این فصل همچنین از رابطه علل چهارگانه و تناهی علل بحث شده و تفسیر هریک از فیلسوفان مشاء از روابط علل چهارگانه مطرح شده است. در ادامه و به منظور اثبات تناهی علل، برهان ارسطو موسوم به برهان «وسط و طرف» بیان شده است. فارابی، ابن سینا، ابن رشد و توماس آکوئینی نیز از برهان «وسط و طرف» در تناهی علل بهره برده‌اند.

ملاک نیازمندی معلول به علت از جمله مسائل مهم فلسفی است که در این فصل بدان پرداخته شده است. از نظر ابن سینا علت و معلول با هم رابطه وجودی

دارند و وجود معلول به وجود علت وابسته است. ارسطو هرچند به مناسبت میان علت و معلول بی توجه نبوده است اما به بحث از ملاک نیازمندی معلول به علت نمی پردازد. از نظر ابن سینا ملاک نیازمندی، وجود معلول است، وجودی که عین تعلق به غیر است. بحث از علّیت و شناخت آخرین مطلبی است که در این فصل بررسی می شود. علل چهارگانه ارسطویی علاوه بر نقشی که در تحقق موجودات دارند در شناخت آنها نیز نقش محوری ایفا می کنند. به تعبیر دیگر از آنجا که شناخت عالم خارج بدون پذیرفتن علّیت ناممکن است و اگر شناختی هست - که هست - ناگزیر پیشاپیش آن علتی هست که آن را پدید آورده است، از این رو لازم است به کارکرد شناختی علّیت نیز پرداخته شود. ابن سینا همانند ارسطو بر آن است که از مطالعه روابط میان موجودات، وابستگی میان آنها فهمیده می شود. از نظر وی ادراکات حسی هرچند سازنده پایه های معرفتی انسان اند اما در نهایت مفهوم علّیت را عقل می سازد. ابن سینا با تصویر رابطه علی میان معلوم بالذات و معلوم بالعرض به تبیین نظریه ادراک می پردازد.

### قدردانی

در پایان بر خود لازم می دانم از اساتید ارجمندم آقایان دکتر احمد احمدی (رحمة الله علیه) و دکتر محمد ذبیحی که همواره از محضرشان آموخته ام، تشکر و قدردانی نمایم. از همکاران محترم دفتر قم، به ویژه جناب آقای ناصر سلطانی که از ابتدا تا انتهای این کتاب کمک شایانی به بنده کردند بسیار سپاسگزارم. از زحمات و پیگیری های سرکار خانم شرف کارشناس محترم گروه فلسفه سازمان «سمت» و همچنین خانم ها نرگس شیخ محمدی، ویراستار و کبری بیون، کنترل فنی و رؤیا صالحی، صفحه پرداز که زحمت ویرایش و آماده سازی کتاب را عهده دار بودند نیز متشکرم.